

"Dominant implications on curriculum with Islamic education approach toward globalization phenomenon in Ayatollah Javadi Amoli"s view"

Najmeh Soltani Nejad, Narges Keshtiaray, Sayyed Hossain Vaezi

¹ Ph.D student, the philosophy of education, Islamic Azad University, Esfahan Branch (Khorasgan), Isfahan, Iran

² Assistant Professor, department of educational sciences, Islamic Azad University, Esfahan Branch (Khorasgan), Isfahan, Iran

³ Assistant Professor, department of theology, Islamic Azad University, Esfahan Branch (Khorasgan), Isfahan, Iran

Abstract

The aim of this study is to understand "Dominant implications on curriculum with Islamic education approach toward globalization phenomenon in Ayatollah Javadi Amoli"s view". Educational training with a universal mentality on Islamic approaches is a strategic task ahead of human resource management located in training institutions. Research method is transgressive rational analysis and the area of study consists of documents, texts and sources related to Islamic training and education in general and Ayat-Allah Amoli's documents, sources and work in particular; from which all texts related to Ayat-Allah Amoli's perspective in the field of globalization and education and training have been totally counted and studied using objective sampling method. Based on his view, four types of education in the field of educational system with a specific output of each one can be plotted. The view of Islamic education and training about encountering with globalization neither is passive, nor has a negative imaging, rather, Islam accepts the principle of globalization and believes that rationality, reason, experiment and using Islamic trainings are necessary for entering the field of action. Attention to planning, policies, goals, content, methods, training strategies and evaluation in each curriculum is of great importance. The nature of the curriculum with the divine approach influenced by philosophy and the valuable religious resources due to the above mentioned factors are inevitably necessary.

Keywords: Curriculum, Islamic education, Javadi Amoli, Globalization.

دلالت‌های حاکم بر برنامه درسی در رویکرد تعلیم و تربیت اسلامی به پدیده جهانی‌شدن با تأکید بر دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی

نجمه سلطانی‌نژاد، نرگس کشتی‌آرای^۱، سیدحسین واعظی

^۱ دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، گروه علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران

^۲ استادیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران

^۳ استادیار گروه الهیات، دانشگاه آزاد اسلامی اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران

چکیده

هدف پژوهش، فهم «دلالت‌های حاکم بر برنامه درسی در رویکرد تعلیم و تربیت اسلامی به پدیده جهانی‌شدن از دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی» است. تربیت فراگیرانی با ذهنیتی جهانی و مبتنی بر رویکردهای اسلامی وظیفه‌ای استراتژیک است که پیش روی مدیریت منابع انسانی در نهادهای آموزشی قرار دارد. روش پژوهش، تحلیل منطقی فرارونده و حوزه پژوهش اسناد، متون و منابع مرتبط با تعلیم و تربیت اسلامی و جهانی‌شدن به‌طور عام و اسناد و منابع و آثار آیت‌الله جوادی آملی به‌طور خاص بوده؛ که تمام متون مربوط به نظرات آیت‌الله جوادی آملی در حوزه تعلیم و تربیت و جهانی‌شدن به‌صورت کل شمار و به روش نمونه‌گیری هدفمند مورد مطالعه قرار گرفتند. مبتنی بر دیدگاه ایشان چهار نوع تعلیم و تربیت در عرصه نظام‌های تعلیم و تربیتی با خروجی خاص هر یک از آنها قابل طرح است. همچنین از دو رویکرد الهی و الحادی در برنامه درسی در سطح جهان نام‌برده شده که هر یک هدف، روش، محتوا و شیوه ارزشیابی خاصی دارد. توجه به برنامه‌ریزی‌ها، سیاست‌ها، اهداف، محتوا، روش‌ها، راهبردهای آموزشی و ارزشیابی در هر برنامه درسی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. ماهیت برنامه درسی با رویکرد الهی تحت تأثیر فلسفه و منابع ارزشمند دینی است که با توجه به عوامل ذکر شده، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.

واژه‌های کلیدی: برنامه درسی، تعلیم و تربیت اسلامی، جوادی آملی، جهانی‌شدن.

* نویسنده مسئول:

پذیرش: ۹۵/۱۰/۲۶

وصول: ۹۵/۰۳/۱۰

مقدمه

مورد نیاز زندگی جمعی و مهارت‌های مورد نیاز شهروند جهانی تأکید نماید.

در سرزمین ما و نیز برخی کشورهای اسلامی، به دلیل نفوذ و غلبه اسلام در ساحت اندیشه و حیات مردم، سخن گفتن از نسبت میان اسلام و تعلیم و تربیت اهمیت ویژه‌ای یافته است. به موازات شکل‌گیری علوم تربیتی در تاریخ معاصر، در کشورهای اسلامی نیز تلاشی به‌منظور سامان‌دهی میراث کهن اندیشه و فرهنگ اسلامی صورت پذیرفته، به‌گونه‌ای که بتوان از میان این میراث انبوه، سامانه‌ای در هیئت علوم تربیتی فراهم آورد و آن را پاسخی به نیازهای این کشورها در تعلیم و تربیت دانست. سخن گفتن از تعلیم و تربیت اسلامی، کم یا بیش حاکی از روی آوردن به چنین چالشی است.

در کنار تغییر و تحولاتی که در نظام بندی‌های سیاسی کشورهای جهان به وقوع پیوسته است؛ رشد روزافزون فناوری، علوم و ارتباطات و گسترش روابط اقتصادی و بازرگانی کشورها و همچنین گشوده شدن مرزهای کشورها بر روی یکدیگر، شرایطی را به وجود آورده‌اند که نظریه «جهانی‌شدن» را تقویت می‌کند. جهانی‌شدن، «به فشردگی جهانی» و «تشدید آگاهی از جهان به مثابه کل» است (Robertson, 1992).

«به هم فشردگی» واژه‌ای است که به رشد سریع ارتباطات در میان مردم جوامع مختلف تعریف می‌شود. در این جهان نه فقط ارتباط و آگاهی عمومی گسترش یافته است؛ بلکه جابه‌جایی انسان‌ها هم گسترش بی‌سابقه‌ای دارد. در کنار این، بشر امروزی با مسائلی روبه‌روست که نزدیکان و هم‌وطنان او از عهده حلّش برنمی‌آیند. رخدادهایی از این دست، نیازمند آماده شدن آحاد مردم برای کسب و کاربرد دانش و مهارت‌های فراگیر است (Aghazadeh, 2008).

پدیده «جهانی‌شدن» به‌عنوان فرایندی چندوجهی، با کمرنگ ساختن قیود جغرافیایی و مرزهای کشوری حاکم بر روابط اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی،

حضرت استاد جوادی آملی، از برجسته‌ترین اساتید فلسفه و عرفان در عصر حاضر به شمار می‌روند. ایشان افزون بر دو رشته یاد شده در رشته‌هایی چون تفسیر، فقه، حدیث، کلام قدیم و جدید و ... صاحب آثار گرانقدری هستند. از آثار جامع و مهم در تفسیر، تسنیم، از تألیفات مؤثر ایشان در فلسفه، ریحیق مختوم و از کتاب‌های مهم حضرت استاد در عرفان، تحریر تمهید القواعد است؛ که هر یک به تنهایی مؤید تسلط، جامعیت و تعالی اندیشه و علم ایشان در مباحث و معارف گوناگون است.

عقلانیتی که جوادی آملی به شدت مدافع آن است، چیزی از جنس عقل مدرن نیست. عقل و حکمت-آن گونه که او می‌شناسد و می‌شناساند- دشمنش بی‌تقوایی است، کمالش در عرفان و شهود است و همراه همیشگی‌اش وحی.

او به انسان‌شناسی نیز توجه ویژه‌ای دارد. چرا که ثمره تمام علوم، تأمین زندگی سعادت‌مندان جامعه انسانی است و مهم‌ترین اصل در این راستا معرفت انسان است. ایشان تعریف انسان به «حیوان ناطق» را نمی‌پذیرد بلکه معتقد است تعریف دین از انسان، «حی متأله» است.

«حی متأله با خود، تنها و موحد، با اهل خانواده خود، متحد و موحد؛ و با اعضای جامعه خود، مجتمع و موحد است؛ بنابراین توحید در زیست‌گاه و تمدن و تدین او جلوه‌گر می‌شود. چون تمدن او چیزی جز تدینش به دین الهی نیست» (Hossen, 2012).

از منظری دیگر انسان امروز صرفاً موجودی منحصر در خانواده، جامعه و کشور خود نیست؛ بلکه بخش جدایی‌ناپذیر از جهان بشری و مناسبات جهانی است. «لذا هر فردی خواسته یا ناخواسته، متأثر از مناسبات جهانی است و به‌صورت موجودی جهانی درآمده است» (Salihi Omran, 2009). از این رو برنامه‌های درسی باید بر مهارت‌های فردی مورد نیاز فراگیرنده، مهارت‌های

انسانی نیز از وجوه مختلف تأثیر می‌گذارد و بدین‌سان هویت انسانی، ملی و جهانی را که گستره اندیشه و فرهنگ و تمدن است، تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. در این میان، ملّتی می‌تواند فرهنگ و تمدن و اعتقادات خود را حفظ کند که ارزش‌های هویتی‌اش را ابتدا در درون خود بشناسد و سپس قادر باشد که آن‌ها را به دیگران بشناساند.

یکی از بنیادی‌ترین پیش‌فرض‌های پذیرفته‌شده در جامعه ایران اسلامی، ضرورت حضور دین در جامعه و همچنین لزوم تربیت دینی و اسلامی است. هدف از تربیت اسلامی و دینی پرورش انسان‌هایی است که ضمن اعتقاد عقلی و باور قلبی به اصول اعتقادی اسلام، در عرصه فردی و اجتماعی، مطابق با موازین و دستورات عمل نمایند.

لذا تبیین شرایط و ویژگی‌های تعلیم و تربیت اسلامی متناسب با فرایند جهانی‌شدن امری ضروری است. چرا که دنیای جدید به افرادی نیازمند است که بتوانند به داوری‌های مهم و دقیق دست‌زده، راه خویش را در محیط‌های تازه پیدا کنند و روابط جدید را در واقعیتی که به سرعت در حال تغییر است؛ به چالاکی تشخیص دهند. در خصوص اهداف برنامه درسی، نظام آموزشی به سمتی حرکت کند که فرد بتواند با سرعت و رعایت صرفه‌جویی، خود را با تغییر مداوم انطباق دهد و آهنگ تغییر هر چه تندتر شود.

یک راه دستیابی به گسترش درک فرد از دنیای خود، آموزش جهانی است. در عرصه جهانی‌شدن، نظام‌های آموزش و پرورش نمی‌توانند خود را جدا یا دور از این فرایند رو به گسترش در نظر بگیرند. امروزه جهان به‌صورت یک کلاس درس درآمده و دانش‌آموزان، دانشجویان و تمامی فراگیران از سراسر دنیا می‌توانند از این کلاس جهانی، خوراک فکری بگیرند.

اسلام به‌عنوان یک نظام مذهبی، اجتماعی و فرهنگی سعی نموده تا خود را از طریق ایجاد یک جامعه مذهبی فراملی تبدیل به «دین جهانی» نماید؛

شکل تازه‌ای از روابط را میان مردمان و ملل مختلف به وجود می‌آورد. این وضعیت جدید برای جهان اسلام نیز صادق است. در این میان رویکرد تعلیم و تربیت اسلامی متناسب با وضعیت جهانی‌شدن، از مهم‌ترین سؤالات مربوط به حوزه تعلیم و تربیت است.

اسلام به‌عنوان یک مکتب، نظام تربیتی خاص خود را دارد. اهداف یک مکتب تربیتی بر اساس نگرشی که صاحب آن اندیشه و مکتب از انسان، جهان و نظام ارزشی دارد؛ متفاوت است. «جهان‌بینی توحیدی اساس تفکر و کارمایه نظام تربیتی اسلام است؛ بنابراین برای دستیابی به یک نظریه یا یک نظام از تربیت اسلامی باید تمام مدارهای زندگی فکری و عملی انسان در داخل مدار توحید محاط شوند» (Karamaliyan, 2006:48).

بنابراین اصول سیاست هر بینشی بر اساس تفکر آن بینش استوار است. نگرش توحیدی اصول سیاست خود را بر پایه توحید در همه مراتب آن و پذیرش وحی و نبوت و معاد استوار می‌کند. از این‌رو به ارزش‌هایی، مانند تهذیب نفس، تصحیح روابط فردی و اجتماعی، قیام به قسط و عدل، ترجیح غیر بر خویشان، محوریت تقوا در تکریم انسان (نه رنگ، قوم، نژاد، مال و...)، ظالم و مُنظَلَم نبودن، احسان به همه افراد جامعه، اتحاد، برادری، منع از تفرق و... می‌اندیشد. در مقابل، بینش مادی و غیرتوحیدی شالوده‌سیاستش را بر اساس منافع مادی و سود بیشتر بنیان می‌نهد (Javadi, 2009, b).

در روزگار معاصر، جهانی‌شدن و ارتباط میان ملل مختلف به دلیل وسایل ارتباط جمعی جهانی‌گوناگون چون اینترنت و ماهواره از سویی و امکان سفر، مهاجرت، فرصت‌های مطالعاتی و استفاده از فناوری‌های کشورهای مختلف امری اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد. وجود این تمایلات در عرصه‌های گوناگون، ابعاد مختلف ساحت آدمی را فرا می‌گیرد و علاوه بر ابعاد سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، بر اندیشه‌ها، آرمان‌ها و عواطف

خود و دیگران بپردازد و شیوه‌ها و خط‌مشی‌های آموزشی متنوعی در پیش گیرد (Mazaree & Shadfar, 2009).

ارزش‌ها یکی از عوامل بسیار مهم و تأثیرگذار در ایجاد ثبات در شخصیت افراد و حیات اجتماعی آن‌هاست. لذا شهروند موفق در جامعه جهانی لازم است ارزش‌ها را آموزش ببیند و آن‌ها را به‌گونه‌ای صحیح اشاعه دهد.

یکی از معیارهای بازشناسی ارزش‌ها از ضد ارزش‌ها در هر قلمرو و زمینه‌ای از جمله تعلیم و تربیت عنصر «خواست» و «مطلوبیت» است. میزان و نوع مطلوبیت در هر زمینه‌ای متناسب با ویژگی‌های و اوضاع و شرایط جاری در آن زمینه تعیین می‌یابد. ارزش‌گذاری در هر موردی از جمله دینی، اخلاقی، اجتماعی، حقوقی و ... ممکن است به‌صورت استقلالی قابل طرح باشد و یا به‌گونه‌ای واسطه‌ای تصویر و ترسیم یابد.

ارزش استقلالی در تعلیم و تربیت حاکی از آن است که یک موضوع آموزشی یا تربیتی و یا رفتاری، صرف‌نظر از پسند یا ناپسند بودن برای فرد و یا عرف انسانی و یا سایر عوامل و مقتضیات انسانی یا محیطی ذاتاً و استقلالاً ممدوح یا مذموم شمرده می‌شود. در این صورت، حسن و قبح تربیتی عنوان حسن و قبح ذاتی یا عقلی را به خود اختصاص می‌دهد و بیانگر این است که عقل و فطرت سلیم انسان‌ها، صرف‌نظر از باورداشته‌ها و نگرش‌ها و سلايق و علايق فردی یا فرهنگی و دینی به خوب و پسندیده بودن رفتار دینی و یا به مذموم بودن ناپسند بودن آن حکم می‌کند. این نوع باورداشته‌های عقلانی که بیانگر خودکفایی و استقلال عقل هستند «مستقلات عقلیه» نامیده می‌شوند (Rahnama, 2006).

نوعی دیگر از باورداشته‌های عقلی، «استلزامات عقلیه» نام دارند که هر چند با اتکا به عقل سلیم قابل درک و حصول می‌باشند اما عقل در مقام داوری نسبت به آن‌ها خودکفا نیست؛ بلکه عقل به پشتوانه معیارهای بیرونی و جانبی به داوری می‌پردازد. به‌عنوان مثال عقل

بنابراین در عرصه نزاع گفتمان جهانی‌شدن، نظام معنایی اسلام حول محور توحید شکل گرفته است. نظام معنایی و گفتمانی که علاوه بر نیازهای مادی به احتیاجات واقعی بشر توجه کامل داشته است. این مکتب، طرح کاملی برای زندگی بشر، ارائه می‌کند و آنان را حول این محور اساسی که همان اسلام توحیدی است؛ جمع می‌کند و انسجام آنان را در پی دارد. حقانیت این طرح و برنامه الهی و مبتنی بر فطرت بودنش، گسترش مداوم آن را در پی خواهد داشت.

«نکته مورد تأکید در آموزش جهانی آن است که دانش‌آموزان باید به شیوه‌ای آموزش ببینند که بتوانند با حداقل مشکل با نیازهای جدید و پرشتاب و پر تغییر که در آن زندگی می‌کنند؛ کنار بیایند. آموزش جهانی باید به دانش‌آموزان کمک نماید تا راه‌هایی را که از طریق آن‌ها می‌توانند زندگی خود و دیگر انسان‌ها را در سراسر جهان غنی سازند، کشف و به آن‌ها عمل کنند» (Salehi Omran, 2009: 143).

برای بهره‌گیری از دانش جهانی در برنامه درسی هفت رویکرد بیان شده است که عبارت‌اند از: رویکردهای مشتق از دانش، حل مسئله، تعاملی، روش‌نگری، سیاسی، تاکتیکی و پژوهشی (Aghazadeh, 2008). همچنین چهار الگوی پژوهشی، تعامل اجتماعی، حل مسئله و پیوندی (زنجیره‌ای) نیز پیشنهاد شده است.

آنچه مسلم است تنها راه شهروند فعال شدن برای انسان امروزی آموزش مادام‌العمر و مداوم است. «آموزش مادام‌العمر در بردارنده الگوهای رسمی، غیررسمی و غیرکلامی آموزش است و در تلاش است تا تمامی ساختارها و مراحل آموزش را در راستای ابعاد زمانی و مکانی تبیین و تدوین نماید. آموزش مادام‌العمر به تناسب زمان، مکان، محتوا و فنون یادگیری تغییرپذیر است و به این سبب مستلزم آن است که شخص خود، برای یادگیری را تعیین کند، به آگاه کردن

گروه تقسیم می‌شوند: عالم بی‌عمل، مقدس بی‌علم، جاهل فاسق و عالم عادل.

عالمان بی‌عمل در تعلیم خوب اما در تزکیه و تربیت ضعیف هستند. مقدسان بی‌علم گروهی هستند که در اندیشه و فکر ضعیف ولی در تربیت خوب‌اند. آن‌ها که هم در تعلیم و هم در تربیت ضعیف هستند؛ در گروه جاهلان فاسق قرار می‌گیرند. گروه چهارم عالمان عادل نام دارند که هم از نیروی تعلیم برخوردارند و هم از تربیت خوب بهره‌مند. به تدریج که فاصله تعلیم و تربیت کمتر شود؛ علم همان تربیت خواهد شد» (Javadi Amoli, 2009A).

بر مبنای این دیدگاه در تعلیم و تربیت اسلامی افرادی که برخوردار از شبهه علمی هستند جاهلان فاسقی می‌باشند که نه به امکان جهانی‌شدن در بعد نظری معتقدند و نه در میدان عمل قادر به تحقق جهانی‌شدن مطلوب خواهند بود. همچنین افرادی که دارای شهوت عملی هستند؛ عالمان بی‌عملی هستند که به دلیل ضعف نگرشی و تربیتی نمی‌توانند داعیه نظام جهانی داشته باشند. علت آن است که این گروه سخت درگیر خواهش‌ها و کشمکش‌های درونی هستند و نمی‌توانند فارغ از منافع خود به منافع و مصلحت سایر افراد نیز بیندیشند. لذا نابسامانی‌هایی را در بعد آموزشی جهانی‌شدن به وجود می‌آورند که در ابعاد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جهانی‌شدن، نیز سبب آشفتگی خواهند شد.

«جوامعی که ملتزم به قانون و مبنایی مشترک برای عموم مردم جهان بوده و وحدت نوعی و فطرت‌گرایی که منطق جهانی‌شدن است را مورد نظر قرار دهند؛ قادر به تحقق ایده جهانی‌شدن خواهند بود» (Javadi Amoli, 2009a).

مبتنی بر نظرات آیت‌الله جوادی آملی می‌توان گفت مقدسان بی‌علم نیز قادر به تحقق ایده جهانی‌شدن مطلوب نخواهند بود. این گروه که از فقر فکری و دانشی رنج می‌برند آنچه از ظلم بر سرشان می‌آید را ناشی از

مستقلاً به حسن بودن «عدالت» حکم می‌کند اما همین عقل در مقام داوری نسبت به مصداق عدالت مثل «امانت‌داری» یا هرگونه عمل شایسته دیگر مستقل و خودکفا نیست.

تعلیم و تربیت به علت ارتباط متقابل و عمیقی که با حوزه‌های مختلف معرفت و ارکان زندگی بشر دارد ناگزیر از تأثیر است و باید مطابق با تحولات جامعه، تغییر ساختار یافته تا بتواند پاسخگوی نیازها و خواست‌های افراد جامعه بوده و جامعه را در جهت تعالی سوق دهد (Attaran, 2005).

طبق دیدگاه برن (Burn, 2002) برنامه درسی جهانی با افزودن یک یا دو درس به برنامه درسی مدارس سامان نمی‌یابد؛ بلکه برنامه درسی و مهم‌تر از آن‌ها دیدگاه برنامه ریزان درسی باید تحت تغییرات جدی قرار گیرد. لذا اگر قرار باشد دری به سوی جهانی‌شدن باز شود بی‌شک دنیایی از دانش، فن‌آوری، ارزش‌های اجتماعی، باورها، ایدئولوژی‌ها و ... به اشتراک در خواهد آمد.

لذا به بیان جوادی آملی «تربیت انسان، بیش از جنبه علمی‌اش، دارای جنبه‌های عملی است و مربی در صورتی در کار خود موفق می‌شود که افزون بر آموزش‌های لازم، بتواند به گونه‌ای عملی، الگوی کاملی برای تعلیمات خود باشد و با صفات و اخلاق و اعمال خویش تمام مسائل تربیتی را نشان دهد» (Javadi Amoli, 1983).

لکن آنچه مسیر تعلیم و تربیت را به سمت مطلوب هدایت می‌کند؛ توجه به حضور خداوند در لحظه لحظه زندگی است. «انسان چه بخواد راه اندیشه حصولی را طی کند و چه بخواد راه شهود را بپیماید باید عبد صالح خدا باشد. عبودیت و بندگی، حفاظ این غواصی است و اگر لحظه‌ای از این بندگی خارج شد و به میل خود عمل کرد، خروج از زی بندگی همان و هلاکت در تیه جهالت و ضلالت همان» (Javadi Amoli, 2010A).

«در تعلیم و تربیت اسلامی انسان‌ها از نظر رفتار و عملکرد، به میزان کاربست آنچه که آموخته‌اند؛ به چهار

موفق خواهند بود؛ جهانی بیندیشند و شیوه درست اندیشیدن و چگونه زیستن و چگونه امتناع ورزیدن را آموزش دهند. جدول شماره ۱ اقسام تعلیم و تربیت و خروجی هر یک را در نظام آموزشی بیان کرده است.

تقدیر و قسمت الهی قلمداد کرده، شر و سلطه ظالمین را بر خود می‌پذیرند. این نحوه تفکر با مبنای عقلانی و اعتقادی مورد نظر جهانی‌شدن سازگاری ندارد. لذا تنها عالمان عادل که هم تعلیم یافته‌اند و هم تربیت یافته؛

جدول ۱. اقسام تعلیم و تربیت و خروجی آن‌ها در نظام آموزشی

ردیف	کیفیت تعلیم	کیفیت تربیت	خروجی نظام تعلیم و تربیت
۱	ضعیف	ضعیف	جاهل فاسق
۲	ضعیف	خوب	مقدس بی‌علم
۳	خوب	ضعیف	عالم بی‌عمل
۴	خوب	خوب	عالم عادل

البته در پاسخ به این سؤال که ماهیت یک زندگی خوب و معنادار و یک جامعه خوب و ارزش‌مدار چیست؛ می‌توان با استناد به سخن جوادی آملی که در سطور قبل ذکر شد؛ بیان کرد که جوامع انسانی در یک دسته‌بندی کلی به جامعه الهی و جامعه الحادی تقسیم می‌شوند. در جامعه الحادی اعتقاد بر این است که پس از دنیای مادی از آخرت خبری نیست: «مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا مَوْتٌ وَنَحْيَا وَمَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ» (الجاثیه/۲۴)؛ به دنبال این تفکر الحادی، فلسفه فرد نیز الحادی می‌شود. حال آنکه در ابتدا فلسفه او الحادی نبود؛ زیرا در ابتدا درصدد شناخت هستی و نیستی بود ولی هنگامی که به تفکر الحادی مبتلا شد، فلسفه او نیز الحادی گردید.

در مقابل، در جامعه الهی، تفکر الهی حاکم خواهد بود. اگر تفکر فردی الهی باشد فلسفه علم او نیز الهی شده و در نتیجه علم تعلیم و تربیت او نیز الهی می‌شود. لذا به جهان آفرینش به‌عنوان طبیعت نمی‌نگرد بلکه آن را خلقت الهی می‌بیند آنگاه به رابطه خلقت با انسان به‌خوبی پی می‌برد که خداوند جهان را برای انسان آفرید و فرمود بین اعمال انسان و رخدادهای جهان ارتباط وجود دارد: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالأَرْضِ» (الأعراف/۹۶) انسان موجود جدای از جهان آفرینش نیست؛ همچنان که رخدادهای تربیتی در اعمال و اندیشه انسان مؤثر است،

تدوین قانون جامع از طرف فرد معین یا گروه خاص، هرگز ضامن منافع همه اقشار و جوامع نیست؛ زیرا هر فرد یا گروهی، یا فقط سود خود را می‌طلبد یا در تشخیص سود و زیان دیگران ناتوان است؛ چنان‌که رهبری فردی که فقط چهره مردمی داشته، از تأیید الهی برخوردار نیست یا به‌طور صحیح وارث مکتب الهی نیست ضامن مصالح همه مردم نبوده؛ بلکه در گرایش‌ها و تنش‌های سیاسی و اجتماعی، منافع طبقه مخصوص را بر مصالح دیگران ترجیح می‌دهد؛ لذا چاره جز تأمین دو رکن اصیل سیاسی اجتماعی نیست؛ اول، قانون آزاد و دوم، رهبر آزاده؛ و قانون آزاد از اشتباه و تبعیض نابجا، همانا قانون الهی است و رهبر آزاده همانا انسان وارسته‌ای است که از بند باندبازی، آزاد و از مرز آز و آزار، حریت یافته باشد (Javadi Amoli, 2009B).

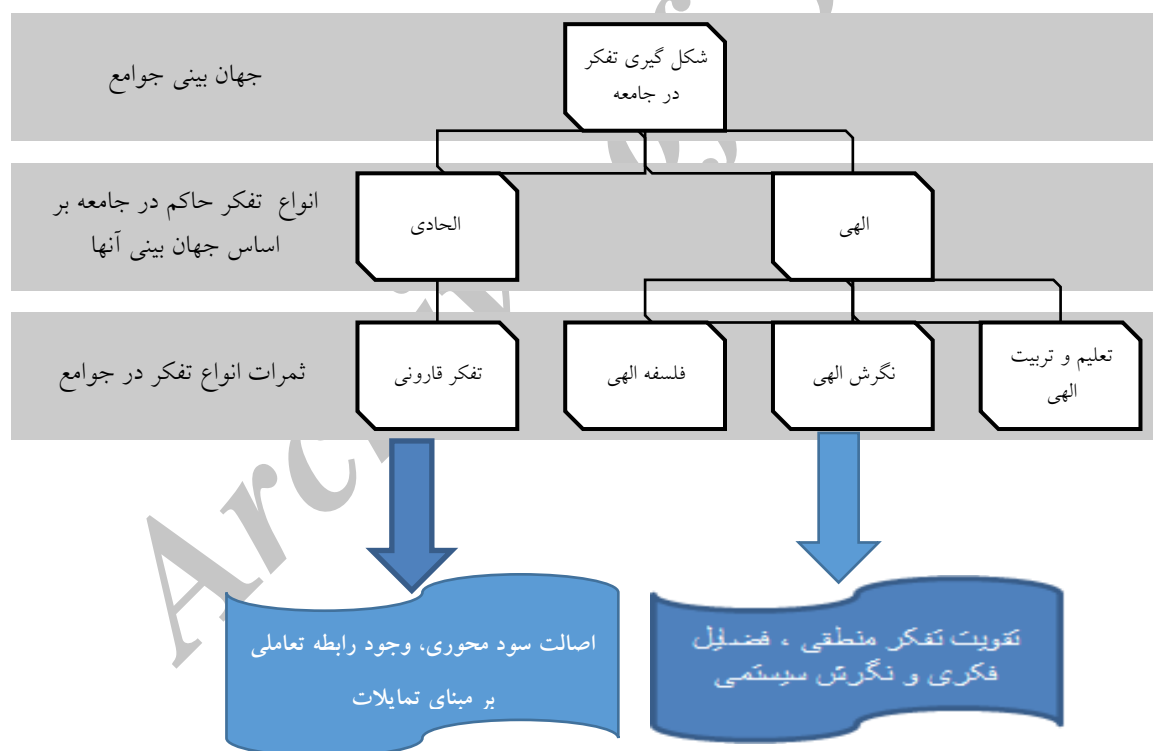
از نظر دیویی فلسفه اجتماعی تربیتی که مدارس بر اساس آن استوار است، می‌تواند به‌عنوان صافی اولیه برای توسعه برنامه اجتماعی محسوب گردد و نتیجه می‌گیرد که فلسفه در راستای تعریف ماهیت یک زندگی خوب و یک جامعه خوب کوشش می‌کند؛ بنابراین در جوامع آزاد ارزش‌های آزادی‌خواهی و دموکراتیک از طریق مدارس منتقل می‌گردد (Jahniyan&Mahjoob, 2011).

وجود آن می‌توان گفت جریان علم همواره ثابت و یکدست نبوده است.

بخش مهمی از این تحولات، به نحوه نگاهی بازمی‌گردد که از زاویه اعتقادی به علم صورت گرفته است؛ به‌گونه‌ای که می‌توان در مراحل و نقاط مهمی از تاریخ علم، حضور زنده و مسلط دین را مشاهده کرد که بر اساس دیدگاه‌های آن، در مسیر حرکت علم و اصول آن، تغییرات واضحی پدید آمده است. «اگر کسی در راه علم وارد شد و حرف تازه‌ای به میان نیاورد اتلاف عمر کرده است و اتلاف عمر حقیقت شرعیه ندارد» (Javadi Amoli, 2016). شکل شماره ۱ انواع تفکر و ثمرات آن‌ها در جوامع انسانی را نشان می‌دهد.

اعمال، اخلاق، اعتقادات و اندیشه انسان نیز در نظام تربیتی مؤثر خواهد بود. انسان موجودی ابدی است و لازمه ابدیت انسان این است که انسان کارهای ابدی انجام دهد و کار ابدی تنها در سایه تولید علم و پرورش سطح علمی جامعه مقدور است چرا که علم و دانش هرگز نمی‌میرند.

مسئله علم و دانش همواره به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مشغولیت‌های فکری و عملی انسان مطرح بوده است. آنچه نیازمند بحث و بررسی جدید است، نحوه تعامل با علم یا زاویه نظر به دانش و جایگاه آن است. فرازوفرودهای موجود در تاریخ علم، نشان از تحولات مهم و عظیمی در سیر حرکت علم و دانش است که با



شکل ۱. انواع تفکر و ثمرات آن‌ها در جوامع انسانی

مضاف است به فلسفه مطلق تکیه کند. فلسفه مطلق اوامرش دایر میان نفی مبدأ و اثبات آن است؛ یعنی یا الهی است و یا الحادی؛ یا خدا را از عالم حذف می‌کند و

«علم از دو حال خارج نیست: یا الهی است و یا الحادی. مگر می‌شود فیزیک و شیمی شخصی سکولار و بی‌طرف باشد؟ بالاخره این علم خاص باید به فلسفه علم خاصی تکیه زده باشد و فلسفه علم وی که فلسفه

سبحان و گرایش به آخرت در اهداف برنامه درسی الهی صبغه بیشتری دارند.

بر این اساس ارزشیابی از تجارب یادگیری دانش‌آموزان نیز در این دو گونه برنامه درسی، متفاوت خواهد بود: «مَنْ كَانَ يَرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ وَمَنْ كَانَ يَرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ» (الشوری/۲۰)؛ کسی که کشت آخرت بخواهد، برای او در کشته‌اش می‌افزاییم و هر که کشت این دنیا را بخواهد، به او از آن می‌دهیم؛ ولی در آخرت او را نصیبی نیست.

بدیهی است به دنبال تفاوت در اهداف، یکی از تمایزهای موجود در دو برنامه درسی تفاوت در روش خواهد بود. در برنامه درسی الحادی، مسیر زندگی بر لذت و سودجویی استوار است، از این‌رو تلاش دانش‌آموزان برای دستیابی به این هدف است و حق و باطل و حلال و حرام برای آنان تفاوت ندارد.

شعار تعلیم و تربیت در چنین تفکری، نفع همه جانبه است. این اندیشه، هم در جاهلیت کهن حاکم بود و هم در جاهلیت جدید و مدرن حاکمیت دارد. در جاهلیت کهن شعار تربیتی این است که «انصر-أخاک ظالماً أو مظلوماً»؛ به برادر و قبیله‌ات کمک کن؛ چه ظالم باشد و چه ستم‌دیده. دقیقاً در جاهلیت مدرن امروز هم این شعار حاکم است. وقتی عقیده بر اصالت حس و نفع باشد، شیوه خاصی برای رسیدن به سود ارائه‌کردنی نیست، بلکه هر روشی که به آن هدف برسد مطلوب است.

در برنامه درسی الهی که به عقل اصالت می‌دهد، برای وصول به هدف روش خاص ارائه می‌دهد که حقانیت، حلیت و عدالت از شرایط اساسی آن است. «سیره بزرگان دین (علیهم‌السلام) در کیفیت تعلیم آن است که دانش‌پژوهان را با تحقیق آشنا کنند و از هرگونه تقلید بر حذر دارند و همان‌طور که از تقلید دور می‌دارند، از اعتماد به گمان نیز نهی کنند، زیرا همان‌سان که تکیه به سخن دیگری برخلاف تحقیق است، اعتماد به گمان خویش نیز دور از حزم است، زیرا

یا با اذعان به وجود خدا و اینکه عالم مخلوق اوست، به کاوش در طبیعت می‌پردازد (Javadi Amoli, 2010A).

توضیح آنکه اصول موضوعه هر علم تعیین‌کننده الحادی یا الهی بودن آن دانش است. فلسفه هر علمی بخشی از آن اصول موضوعه را با شکلی خاص طراحی می‌کند. تمام فلسفه‌های مضاف -از جمله فلسفه تعلیم و تربیت- و نیز همه علوم تجربی در زادروز تولد خود یا الهی‌اند و یا الحادی؛ هرچند عالم آن رشته تفصیلاً آگاه نباشد؛ زیرا هیچ مسئله‌ای از مسائل علوم جزئی؛ مانند فلسفه مضاف یا علم تجربی نیست مگر آنکه وامدار برخی از منابع معرفتی و مبانی هستی‌شناسی و پیش‌فرض‌های اولی است و آن منابع، مبانی و اصول موضوعه یا پیش‌فرض، در گرو جهان‌بینی الهی یا الحادی است (Javadi Amoli, 2010A).

بر اساس آنچه بیان شد می‌توان این‌گونه استنباط کرد که در رویکرد تعلیم و تربیت اسلامی، نظام تعلیم و تربیت جهانی با دو نوع برنامه درسی مواجه خواهد بود. برنامه درسی الهی و برنامه درسی الحادی. بر این اساس دو گونه تفکر و منطق نیز هویدا می‌شود. شالوده برنامه درسی الهی، ضمن اعتماد بر حس و تجربه حسی، بر مبنای عقل‌گرایی است و شالوده برنامه درسی الحادی، ضمن خرافه‌پنداشتن علوم تجربی، بر اساس حس‌گرایی است.

بر این پایه، محور فعالیت، انگیزه و هدف تعلیم و تربیت در برنامه درسی نیز متفاوت است. کسانی که هیچ‌چیزی را فراتر از ماده نمی‌دانند و به ماده و حس اصالت می‌دهند، با آنان که فراتر از ماده به امور مجرد اعتقاد و به اصالت آن‌ها باور دارند، حیات اجتماعی‌شان از حیث روش‌شناسی و غایت‌مندی نمی‌تواند یکسان باشد، بلکه محور تمام فعالیت‌های آموزشی در برنامه درسی الحادی سودجویی و جلب‌توجه دیگران و دنیاگرایی است؛ اما قلمرو همه فعالیت‌ها در برنامه درسی الهی، خدامحور است. کمک به هم‌نوعان، رفع مشکلات دیگران و در نهایت جلب رضایت خداوند

اگر انبیا و اولیای الهی بر عهده امت حق دارند، امت نیز حق دارند که انبیا در تعلیم، تربیت و آشنا کردن آنان به معارف الهی تلاش کنند (Javadi Amoli, 2009B). در بیان امیرمؤمنان علی (علیه السلام) شکوفایی دینه‌های عقلی انسان‌ها، سیره مشترک انبیا (علیهم السلام) است: «لیثروا لهم دفائن العقول» (نهج البلاغه، خطبه ۱). خدای سبحان، سرزمین پردفینه‌ای را به نام عقل به امت‌ها و انسان‌ها مرحمت فرمود که معادن گران مایه الهی را دربردارد؛ یکی از مهم‌ترین برنامه‌های انبیا (علیهم السلام)، کند و کاو زمین دل و شکوفایی فرزاندگی و خردمندی صاحب‌دلان است (Javadi Amoli, 2009A). روش مورد تأکید اسلام برای شکوفایی دینه‌های عقلی فراگیران تقویت روحیه پرسشگری آن‌هاست. لکن پرسش و پرسشگری تابع شرایطی است.

نخست آن که «پرسش باید از حس دانش‌خواهی متعلم پرسشگر برخاسته باشد؛ نه آنکه با پرسش‌های خود در پی آزمودن مسئول یا آزردن وی باشد: «سل تفقها و لا تسأل تعنتا» (نهج البلاغه، حکمت ۳۲۰)؛ لذا در اندیشه پیشوایان ما، پرسشگری که برای جهل‌زدایی و دانش‌افزایی خویش می‌پرسد، همچون عالمان است و اندیشه‌وری که بی‌دلیل و نیندیشیده لب به پاسخ‌گشاید، همانند جاهلان است: «الجاهل المتعلم شبهه بالعام و إن العام المتعسف شبهه بالجاهل» (Javadi Amoli, 1983).

دوم. پرسش باید به گونه‌ای مرتبط و معقول باشد که در حال، وضع، اندیشه و کردار پرسشگر اثر بگذارد. پس پرسش‌های بی‌ربط و نامعقول پاسخی نخواهد داشت: «سل عما یعنیک» (Majlesi, 1985). از چیزی بپرس که درخور شأن تو باشد، نه فراتر از حیطه تفکر و اندیشه یا رفتار و عمل تو. در نظر پیشوایان معصوم ما، وارد نشدن به امور نامربوط و نامعقول، نه تنها نشانه دانایی که نشانه اسلام است، چنان که امام موسی بن جعفر (علیه السلام) در توصیه‌های خود به هشام بن حکم می‌فرماید: «من حسن إسلام المرء ترک ما لا یعنیه» (Majlesi, 1985)؛ از

خردمندی به جزم است و آن، جز در پرتو برهان عقلی حاصل نمی‌گردد؛ لذا آن رهروان الهی، بیش از هر چیز به تحصیل یقین و تفکر عقلی ترغیب می‌نمودند» (Javadi Amoli, 2016).

از همین رو اسلام در میان اعراب جاهلی، ابتدا تلاش کرد تا شیوه اصالت حس و شعار اصالت نفع را به روش اصالت عقل و عدل برگرداند و از این‌رو به جای شعار پیش‌گفته فرمود که به یاری ستم‌دیده بشتابید؛ برادران باشد یا بیگانه و نیز دشمن ظالم باشید، هرچند دوست و برادران باشد یا بیگانه؛ و این شعار را احیا کرد و فرمود که دشمن ستمکار و یاور مظلوم باشید: «کونا للظالم خصماً و للمظلوم عوناً» (نهج البلاغه، نامه ۱۷) و نیز: «وما لکم لا تقاتلون فی سبیل الله و المستضعفین من الرجال و النساء و الولدان الذین یقولون ربنا اخرجنا من هذه القرية الظالم أهلها واجعل لنا من لذنک ولیاً واجعل لنا من لذنک نصیراً» (النساء/۷۵)؛ و چرا شما در راه خدا [و در راه نجات] مردان و زنان و کودکان مستضعف نمی‌جنگید؟ آنان که می‌گویند: پروردگارا! ما را از این شهری که مردمش ظالم‌اند بیرون ببر و از جانب خود برای ما سرپرستی قرار ده و از نزد خویش یآوری برای ما تعیین فرما» (Javadi Amoli, 2009A).

یکی از روش‌های برنامه درسی الهی که آموزه‌های دینی نیز بر آن تأکید دارد؛ استفاده از «جدال احسن» است. در جدال احسن نه جهلی بر کسی تحمیل می‌شود، نه از جهل مخاطب سوءاستفاده می‌شود. به بیان جوادی آملی پیامبر اکرم در مقام معلم در احتجاج‌های خود گاهی از برهانی ابتدایی استفاده می‌کند که این نوع استدلال را «حکمت» می‌نامند. گاهی هم به صورت جدل ثانوی، مقدمات مورد پذیرش رقیب مورد استفاده قرار می‌گیرد که این نوع، «جدال» نام دارد؛ لیکن به نحو احسن، زیرا در هیچ‌یک از محورهای مقدماتی و نتیجه آن، نه حقی باطل جلوه داده می‌شود و نه باطلی حق؛ زیرا محور اصیل رسالت، دعوت به عقل و شکوفایی خرد است. اگر معلم بر عهده شاگرد حق دارد، شاگرد نیز بر عهده معلم حق دارد؛

و تربیت اسلامی به پدیده جهانی شدن با تأکید بر دیدگاه‌های آیت‌الله جوادی آملی» است. به‌منظور تحقق هدف فوق از روش تحلیل منطقی فرارونده استفاده شده است. در تحلیل منطقی فرارونده شرط امکان تحقق یافتن تجربه‌ای بشری معین می‌گردد. فرارونده یا استعلایی بودن این روش حاکی از آن است که در جریان تحلیل یا برهان، مسئله از حد امری شخصی، موردی و خاص فراتر می‌رود و به‌صورت امری کلی و ضروری مشخص می‌گردد (Baghery, 2010). تحلیل فرا رونده به‌طور معمول طی دو مرحله تحت عناوین (۱) توصیف و (۲) تعیین شرط لازم انجام می‌شود.

گزاره توصیفی که در مرحله اول مطرح می‌شود، گزاره‌ای است که در مورد آن یقین حاصل شده است و گویی که امری بدیهی است. پدیده مورد بحث، می‌تواند پدیده‌ای طبیعی، تجربه‌ای درونی، یا امری زبانی باشد (Baghery, 2010). در مرحله دوم، این پرسش مطرح می‌شود که برای آنکه پدیده مورد توصیف بتواند وجود داشته باشد، چه شرط یا شرط‌هایی برای آن لازم و ضروری است.

در مرحله توصیف، از روش تحلیل محتوای کیفی نظام مقوله‌بندی قیاسی و واحد پاراگراف و روش سه مرحله‌ای کدگذاری نظری، شامل کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری گزینشی، مطالب مورد بررسی استفاده شده است. در مرحله تعیین شروط لازم به شروط منطقی و نقطه آغازین برای تحقق یک هدف اشاره می‌شود. با توجه به رویکرد اسلامی پژوهش حاضر شروط پذیرفته شده مبتنی بر آیات نورانی قرآن است.

حوزه پژوهش شامل منابع موجود پیرامون اندیشه‌های آیت‌الله جوادی آملی شامل آثار و تألیفات ایشان، مقالات نوشته شده پیرامون اندیشه‌ها و آراء تربیتی و اعتقادی استاد و نیز سخنرانی‌ها و پیام‌های علّامه جوادی آملی به همایش‌ها و کنگره‌های ملی و مصاحبه با شخصیت‌های گوناگون بوده است. همچنین تجزیه و تحلیل اطلاعات طی هفت مرحله انجام گرفت.

نشانه‌های نیک اسلام، عدم دخالت در امور نامربوط است.

سوم. پرسشگر باید پرسش خود را به نیکویی و در قالبی زیبا طرح کند، زیرا نیکو پرسیدن نیمی از دانایی است: «حسن السؤال نصف العلم» (Majlesi, 1985).

چهارم. مرتبی باید قادر بر جواب باشد، بنابراین فردی که توانایی بر پاسخ به پرسش‌های عمیق علمی را ندارد، نباید خود را در معرض سؤال‌های خاص قرار دهد. امامان معصوم ما (علیهم‌السلام) پاسخ‌گوی تمامی پرسش‌های مطرح و شبهات عمیق علمی بودند چنان‌که خطاب به اصحاب خود می‌فرمودند: «سَلْ عَمَّا شِئْتَ» (Koleini, 2008).

پنجم. پاسخگو باید هنگام پاسخ جواد باشد؛ یعنی در پاسخ به پرسش بخل نرزد و دانایی خود را به دیگران انتقال دهد تا زکات اندوخته‌های خویش را پرداخته باشد، چنان‌که امیرمؤمنان (علیه‌السلام) به‌طور مطلق فرمودند: «زکاة العلم نثره» (Tamimi Amodi, 2009).

باقری (Baghery, 2013) در محیط تعلیم و تربیت از دو نوع تعامل نام برده است. «تعامل همتراز» و «تعامل ناهمتراز». تعامل همتراز مانند رابطه شاگرد-شاگرد، معلم - والدین، معلم - معلم. تعامل ناهمتراز مانند رابطه معلم-شاگرد است که رابطه‌ای دو سویه است؛ بر اساس این رابطه معلم نیز می‌تواند از شاگرد بیاموزد. جوادی آملی نیز معتقد است هدایت الهی گاهی از طریق شاگرد به استاد می‌رسد. لذا بیان می‌دارند: «بسیاری از بزرگان علم، فیض‌های فراوانی را به‌وسیله شاگردان و پرسش‌های آنان دریافت می‌کنند و راه تحقیق در مسائل علمی با احتمالاتی که پرسش‌های شاگردان القا می‌کند، برایشان گشوده می‌شود (Javadi, 2008).

روش پژوهش

پژوهش حاضر از لحاظ هدف، نظری و از لحاظ نوع داده‌ها کیفی است. هدف پژوهش «تبیین رویکرد تعلیم

تعلیم و تربیتی او نیز الهی می‌شود و در پرتو این نگرش الهی به جایگاه خود در عالم هستی پی می‌برد.

در تفکر الهی میان خداوند که خالق است و جامعه انسانی که مخلوق است حقوقی وجود دارد که بندگان خود را ملزم به ادای آن می‌دانند. در مقابل در تفکر الحادی و اومانستی نوع تعامل انسان در جامعه به گونه‌ای است که تمایلات و خواسته‌های نفسانی او هر چند به صورت غیر مشروع تأمین گردد و چنین قانونی به زورمداران و قدرتمندان اجازه هرگونه اعمالی را که به نفعشان باشد تجویز می‌کند. نظام تعلیم و تربیتی در هر جامعه هم از نوع تفکر حاکم بر یک جامعه تأثیر می‌پذیرد و هم تأثیر می‌گذارد. استفاده از روش‌های متنوع آموزشی و تربیت افکار متریبان با ترویج فضیلت‌های فکری بر ارتقاء و ابقاء نظام تربیتی موفق در عرصه جهانی کمک می‌کند.

بنابراین روش تعلیم و تربیت دانش‌آموزان در برنامه درسی الهی که بر اصالت عقل و وحی استوار است، بر محور حق و عدل است نه سود، از این‌رو حق بر همه ابعاد زندگی آنان حاکم است و به عدل رفتار می‌کنند و به تولید درآمد حلال می‌پردازند و با ستمگران مبارزه و از ستمدیدگان حمایت می‌کنند (Javadi, 2009A).

نظام آموزشی اگر بخواهد جهانی‌شدن را در دستور کار خویش قرار دهد باید آموزش تربیت محور را مد نظر قرار دهد تا تعامل دانشی حاصل شود. استوار بودن نظام آموزشی بر شالوده ارزش‌های اخلاقی و معنوی می‌تواند مردمی جهانی و اجتماعی تربیت کند. به تعبیر جوادی آملی باید جزم نظر را با عزم عمل هماهنگ کرد چرا که از مجموع علم و عمل و علم و قدرت است که حیات نشأت می‌گیرد (Javadi Amoli, 2008).

جدول شماره ۲ به نوع، مینا، هدف، روش و شیوه ارزشیابی در انواع برنامه درسی جهانی در رویکرد تعلیم و تربیت اسلامی اشاره کرده است.

مرحله اول: در این مرحله به منظور آشنایی با ادبیات و مبانی نظری پژوهش به مطالعه متون اقدام شد.

مرحله دوم: با عنایت به مطالب گردآوری شده در مرحله قبل، به تعریف مفاهیم، مؤلفه‌ها و مقوله‌های اصلی مبادرت شد.

مرحله سوم: به فرمول‌بندی مبانی نظری برای دستیابی به یک مدل و دستورالعمل کلی پیشینی اقدام شد.

مرحله چهارم: متون انتخاب شده مورد بررسی قرار گرفت و مطالب و مفاهیم مرتبط با مقوله‌های اصلی به دست آمده در مرحله قبل، از متن استخراج گردید.

مرحله پنجم: مطالب و مفاهیم به دست آمده در دسته‌های هم مفهوم قرار گرفت.

مرحله ششم: با عنایت به مقوله‌های به دست آمده جدید به تنظیم مدل پسینی مبادرت شد.

مرحله هفتم: پیش‌شرط‌های لازم برای تحقق مفاهیم به دست آمده مبتنی بر آیات و نیز آرای تربیتی آیت‌الله جوادی آملی بیان گردید.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش برای این سؤال که دلالت‌های حاکم بر برنامه درسی مبتنی بر رویکرد تعلیم و تربیت اسلامی به پدیده جهانی‌شدن با تأکید بر دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی چیست؛ طبق مراحل روش تحلیل منطقی فرارونده در دو مرحله توصیف و تعیین شروط لازم به شرح ذیل است.

مرحله اول: مرحله توصیف

ظهور و بروز مکاتب فکری مختلف، ریشه در جهان‌بینی و مبانی معرفت‌شناختی صاحبان آن علم دارد. فلسفه و جهان‌بینی در آغاز پیدایش خود آزاد است؛ نه اسلامی است و نه غیر اسلامی، ولی هنگامی که سامان ببذیرد، الهی یا الحادی می‌شود. در مقابل اگر کسی تفکر الهی داشت فلسفه علم او نیز الهی شده و در نتیجه دانش

جدول ۲. انواع برنامه درسی جهانی در رویکرد تعلیم و تربیت اسلامی

نوع برنامه درسی	مینا	هدف	محوریت فعالیت‌ها	نحوه ارزشیابی	روش
الهی	عقل‌گرایی	خدامحوری و توجه به آخرت	کمک به ممنوع	بر اساس افزایش کوثری	روش‌های عقل‌مدار و عدل محور
الحدادی	حس‌گرایی	جلب توجه دیگران، اصالت با ماده و حس	کمک به خود	بر اساس افزایش تکاثری	روش‌های حس‌گرا و منفعت محور

الدُّنْيَا مُؤْتٌ وَنَحْيَا وَمَا يُهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ» (الجاثیه/۲۴)؛ هرگاه جامعه به تفکر الحدادی مبتلا شد، فلسفه حاکم بر آن نیز الحدادی است.

۲. فلسفه حاکم بر یک جامعه در رخدادهای تربیتی و اعمال و اندیشه انسان مؤثر است، اعمال، اخلاق، اعتقادات و اندیشه انسان نیز در نظام تربیتی مؤثر خواهد بود.

۳. متناسب با نوع تفکر، ارزشیابی از تجارب انسان‌ها متفاوت خواهد بود: (مَنْ كَانَ يَرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ وَمَنْ كَانَ يَرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ) (الشوری/۲۰)؛ کسی که کشت آخرت بخواهد، برای او در کشته‌اش می‌افزاییم و هر که کشت این دنیا را بخواهد، به او از آن می‌دهیم؛ ولی در آخرت او را نصیبی نیست.

۴. تعلیم در سبک تفکر الهی بر محور حق است. «قُلْ لَنْ يَصِيَّبَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا هُوَ مَوْلَانَا وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ قُلْ هَلْ تَرَبَّصُونَ بِنَا إِذْ أَحَدَى الْحُسَيْنِ وَنَحْنُ نَتَرَبَّصُ بِكُمْ أَنْ يَصِيبَكُمْ اللَّهُ بِعَذَابٍ مِنْ عِنْدِهِ أَوْ يَأْتِدِنَا فَتَرَبَّصُوا إِنَّا مَعَكُمْ مُتَرَبِّصُونَ» (توبه/۵۲-۵۱).

۵. نظام آموزشی اگر بخواهد جهانی‌شدن را در دستور کار خویش قرار دهد باید آموزش تربیت محور داشته باشد تا تعامل دانشی حاصل شود. استوار بودن نظام آموزشی بر شالوده ارزش‌های اخلاقی و معنوی می‌تواند مردمی جهانی و اجتماعی تربیت کند.

۶. در تعلیم و تربیت اسلامی هدف‌ها الهی هستند، پس روش‌ها نیز باید الهی باشند. بسیاری از رفتارهای

در تبیین جدول فوق می‌توان بیان داشت «هدف قرآن کریم در پیوند عقل نظری و عقل عملی برای آن است که اگر کسی در راه دل قوی شد بتواند از قوت راه دل، ضعف راه عقل را جبران کند؛ و اگر کسی در راه عقل و اندیشه، قوی‌تر شد، بتواند در پرتو قدرت عقل، ضعف راه دل را ترمیم کند» (Javadi Amoli, 2010B).

نظام برنامه درسی الهی، نظام جامعی است که به پرورش همه استعدادهای انسان به‌طور هماهنگ تأکید دارد. در این نظام، افزون بر توجه به رابطه دین‌داری انسان با مبدأ آفرینش و تأکید بر مسائل مذهبی و دینی به پرورش انسان‌ها در جهت شناخت خود، عالم طبیعت و جامعه نیز اهمیت داده می‌شود. برنامه درسی الهی رویکردی است که مبانی آن برگرفته از آموزه‌های الهی است. مبانی هم در مقام نظر و هم در مقام عمل در بررسی نیازها و تعیین اهداف، منابع، محتوای آموزشی، وسایل و تجهیزات آموزشی، فضای آموزشی، روش‌ها، تجارب یادگیری، فعالیت‌های فوق‌برنامه، روش‌ها و فنون تدریس و ارزشیابی نصب‌العین فعالیت‌های تربیتی قرار می‌گیرد. چرا که برنامه درسی، مفهومی مرتبط با فرهنگ جامعه است و با ضرورت‌ها و اقتضائات دینی مذهبی، سیاسی، تاریخی، جغرافیایی و آموزشی رابطه قوی دارد.

مرحله دوم: تعیین شروط لازم

۱. در جامعه الحدادی اعتقاد بر این است که پس از دنیای مادی از آخرت خبری نیست: «مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا

- مبتنی بر رویکردهای الهی و الحادی مطرح شده در پژوهش می‌توان گفت در نظام آموزش و پرورش کشور ما که اهداف آن منبعث از آموزه‌های دین اسلام است؛ شایسته است رویکردی دینی در دروس تجربی وارد شود؛ زیرا به اعتقاد (Baghery, 2013) برنامه درسی معاصر تا آنجا که در قلمرو علوم تجربی قرار گرفته، راه خود را از آیین‌ها و ایدئولوژی‌ها جدا کرده و در پی آن بوده است که دانشی تجربی به دست دهد.

- بر اساس رویکرد الهی، دانش‌آموزان از طریق آشنایی با پیش‌فرض‌های متافیزیکی مربوط به موضوعات مورد مطالعه خود به اطلاعاتی فراتر از دانش بشری درباره جهان اطراف دست می‌یابند و فراتر از یک چشم‌انداز مادی به جهان اطراف می‌نگرند.

- توجه به برنامه‌ریزی‌ها، سیاست‌ها، اهداف، محتوا، روش‌ها، راهبردهای آموزشی و ارزشیابی در هر برنامه درسی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در برنامه درسی با رویکرد الهی که ماهیت این عناصر تحت تأثیر فلسفه و منابع ارزشمند دینی است؛ توجه به عوامل فوق‌الذکر، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است.

منابع

- The holly Quran, 2010, translated by Makarem Shirazi, Qom: AleTaha publication
- Nahjolbalagheh, Imam Ali, 2000, translated by M, Dashti, Qom: research institute of Imam Ali
- Aghazadeh M, 2008, Globalization theories of education from the perspective of Chang and their implications for curriculum and instruction, Journal of Curriculum Studies. 4(15), 24-42.
- Attaran M, 2005, globalization and its effect on goals of education, papers of the first congress of globalization and education, Tehran university, publication of foreign affairs' ministry

اسلامی از طریق همانندسازی با رفتار معلم در وجود دانش‌آموزان شکل می‌گیرد. انسان از یک سو به دنبال بقا و ماندگاری است و از سوی دیگر این بقا را به شکلی عزیزانه می‌خواهد. چیزی که نابود شود و بیش از حیات نباتی، سهمی از زندگی نداشته باشد، هرگز مطلوب آدمی نیست.

بحث و نتیجه‌گیری

- دین اسلام یک پدیده الهی است اما این پدیده الهی در خلأ کارکرد نخواهد داشت. این دین برای اجتماع انسانی است. لذا دین اسلام یک پدیده الهی - اجتماعی و انسانی است. با افزودن قید اجتماعی و انسانی، به یک مثلث اشاره می‌شود. فرد + جامعه + حاکمیت. بر این اساس و در راستای رویکرد تعلیم و تربیت اسلامی این نتیجه حاصل می‌آید که مریبان عرصه تعلیم و تربیت برای حضور مؤثر در عرصه‌های جهانی شایسته است به این نکات توجه داشته باشند که دین چه فردی را می‌پذیرد تا او را «انسان متدین» بداند. چه جامعه‌ای را می‌پذیرد تا آن را «جامعه متدین» و چه حاکمیت و مدیریت اجتماعی و سیاسی و تربیتی و قضایی و اقتصادی را می‌پذیرد تا آن را نظام دینی یا «نظام متدین» بپذیرد.

- معیارها، اصول و اهداف و انگیزه‌های پدیده جهانی شدن در رویکرد تعلیم و تربیت اسلامی بر پایه انسان‌گرایی و حقوق انسان‌ها و ارزش‌های والای اخلاقی است. لذا شایسته است نظام‌های تربیتی با گسترش دانش انسانی و عدالت‌گستری، زمینه توسعه و رفاه همگانی را در سایه رشد عقلانی پدید آورده و مانع شکل‌گیری اغراض سلطه‌طلبانه و سودجویانه که اصول اخلاقی و انسانی را بی‌معنا می‌سازند؛ گردند.

- BagheriNoparast Kh, 2010, research methods and approaches in education philosophy, Tehran: Publication of socio-cultural research center, 464 P.
-, 2013, teaching “to” and learning “from”: changes in education in light of functionality and interaction
- , 2001, the nature and scope of Islamic education, quarterly of methodology in humanities, 28: 23-33
- TamimiAmadi A, 2009, Ghorarolhekam & Dorarolhekam, translated by Rashedi, Qom: Alamdar, 1048 P
- Javdani H, 2009, globalization and higher education, the gap between theory and practice: new guidelines for development of higher education in Iran, quarterly of research and planning in higher education, 131: 53-107.
- Burn B, 2002, The Curriculum as a global domain. Journal of Studies in International Education. 6: 253-261.
- JavadiAmoli, A, 1983, about education, teacher growth, 11: 10-13
-, 2008, Andisheh Nasim, the second office, Qom: Asra publication center, 165 P
-, A, 2009, the manner of annihilation in saints, Vol 6, Qom: Asra publication center, 165 P
- 2009, G, Nasim Andisheh, the first office, Qom: Asra publication center, 211 P
- 2010, A, Tasnim interpretation, Vol.20, Qom: Asra publication center, 624 P
- 2010 B, thematic interpretation of human to human, Qom: Asra publication center, 432 P
- 2016, the lecture in the 22nd annual conference of professors of Almostafa Alalamieh community, 28 April, Qom: educational complex of Imam Khomeini
- Jahanian R, Mahjoub S, 2011, policies of education in age of globalization, specialized quarterly of policy science, 16: 1904-2026
- Havelock R G(ed), 1970, Planning for Innovation through Dissemination and utilization of Knowledge. Center for Research and utilization of scientific Knowledge, Ann Arbor Michigan.
- Hosseini S.R, 2012, development of Kosar (abundance) in framework of divine ethics from views of Ayatollah JavadiAmoli, Hekmat Esra, 13:61-64
- Rahnama S.A, 2006, introduction to basics of values, Qom: educational-research institute of Imam Khomeini
- Robertson R, 1992, Globalization, London. Saga SalehiOmran A, Izadi S, Rezaei F, 2009, content analysis of primary textbooks based on global educational components, studies of curriculum, 13 & 14: 141-176
- Tabatabaei, M.H 1999, Almizan interpretation, Vol.6, translated by Mosavi, Tehran, Tabatabaei foundation, 600 P
- Karamalian H, 2006, exploration of goals of islamic education based on life domain, islamic education, 2: 165-186
- Koleini M, 2008, Kafi principles, Vol.1, translated by B.Kamareiee, Tehran, islamic publication
- Majlesi M.B, 1985, Baharolanavr, Beirut, Alvafa institute
- Mazareie Y, Shadfar H, 2009, teaching and learning in age of globalization, cultural engineering, 37 & 38- 66-75